

منابع تحقق مسئولیت مدنی در فضای مجازی

دکتر رسول ملکوتی^۱

چکیده

ماده ۳۰۷ قانون مدنی چهار عنوان را به عنوان موجبات و منابع تحقق مسئولیت مدنی نام برده است که عبارت‌اند از: اتلاف، تسبیب، غصب و استیفاء. اگرچه در قانون مزبور برای تحقق مسئولیت مدنی، فعل موجب زیان باید در یکی از این منابع چهارگانه گنجانده شود، اما ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی خارج از هر قالب رفتاری معینی به‌طور کلی هر عمل زیانباری را از موجبات تحقق مسئولیت مدنی دانسته است و از این جهت ماده مزبور موسع و مترقی‌تر از ماده صدرالذکر قانون مدنی است. در این مقاله تلاش شده است امکان شکل‌گیری منابع تحقق مسئولیت مدنی موضوع قانون مدنی در فضای مجازی بررسی شوند.

کلمات کلیدی

مسئولیت مدنی، منابع تحقق مسئولیت، فقه، فضای مجازی.

۱- استادیار گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی تهران، واحد پردیس

مقدمه

در فقه عمده منابع و موجبات تحقق ضمان قهری یا مسئولیت مدنی^۱ در قالب قواعد فقهی مانند لاضرر، استیمان، اتلاف، غصب و ... مورد مطالعه قرار می‌گیرند و برای ضامن دانستن هر صاحب فعل یا ترک فعل علی‌القاعده تطبیق رفتار وی با یکی از قواعد فقهی موجب ضمان لازم است. قانون مدنی در ماده ۳۰۷ به تبعیت از فقه در منابع تحقق مسئولیت چهار فعل را احصاء کرده است لکن علی‌رغم در مقام بیان بودن قانون‌گذار، همه افعال موجب زیان موضوع حکم قرار نگرفته است و در مواد دیگری نیز قانون‌گذار مصادیق متفاوتی از موجبات ضمان را ذکر کرده است از جمله در مواد ۳۰۱ تا ۳۰۶؛ بنابراین می‌توان گفت که منابع ذکر شده در ماده ۳۰۷ منابع منحصر ضمان نیستند بلکه عمده‌ترین منابع تحقق مسئولیت مدنی قهری می‌باشند. سؤال پژوهش حاضر این است که شکل‌گیری منابع تحقق مسئولیت مدنی در فضای سایبر چگونه است و آیا منابع مزبور در فضای سایبر نیز با همان ارکان فضای واقعی قابلیت تحقق دارند؟ برای پاسخ به این سؤال منابع چهارگانه موضوع ماده ۳۰۷ در فضای مجازی بررسی شده است.

۱- غصب در فضای مجازی

برخی معتقدند که مصداق اعمال هکرها و منتشرکنندگان ویروس‌های رایانه‌ای در فضای مجازی را می‌توان مشمول عنوان غصب قرار داد (انصاری، ۱۳۸۲، ص. ۱۹). درحقیقت این ویروس‌ها که به‌طور غیرقانونی و بدون اذن یا اجازه مالک رایانه، وارد فضای آن شده یا مال او را به خدمت می‌گیرند، نوعی استیلائی عدوانی محقق شده است که مصداق غصب می‌باشد همین‌طور است استیلا بر صفحه یا تارنمای شخص و کنترل بر آن. ماده ۳۰۸ قانون مدنی مقرر می‌دارد: غصب استیلا بر حق غیر است به نحو عدوان، اثبات ید بر مال غیر بدون مجوز هم در حکم غصب است؛ بنابراین برای تحقق غصب کافی است شخصی بر حق دیگری تسلط یا استیلائی بدون اذن و غیرقانونی داشته باشد و معیار داوری در این مورد نیز بسته به نوع مال با عرف است. قانون‌گذار با ذکر عبارت حق

۱. برای مطالعه راجع به تفاوت این دو اصطلاح مراجعه کنید به: ملکوتی، ۱۳۹۷، صفحه ۳۰ به بعد.

به جای مال در متن ماده، توهم اینکه الزاماً موضوع غصب باید مال مادی^۱ یا محسوس باشد را دفع کرده است و در اینکه متن ماده شامل فضای مجازی و اموال غیرمادی و محسوس نیز می‌شود، تردیدی باقی نگذارده است.

در توجیه بیشتر امکان تحقق غصب در فضای مجازی می‌توان گفت که منظور از استیلا در ماده مذکور، استیلائی عرفی است نه الزاماً به معنی استیلائی فیزیکی. چنان‌که اگر کسی کلید خودرو یا خانه‌ای را در دست داشته باشد بدون اینکه از نظر فیزیکی در آن ساکن یا متصرف باشد باز هم در صدق عنوان غصب تردید نباید کرد (کاتوزیان، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۱۹). در مورد هکرها نیز زمانی که مثلاً با حمله به یک سیستم، برنامه‌های آن را متوقف کرده یا بر نرم‌افزارهای آن در جهت استفاده دلخواه تسلط پیدا می‌کنند، استیلائی مدنظر قانون‌گذار در غصب، تحقق یافته است. البته ممکن است گفته شود که عمل هکرها در حمله و تخریب دستگاه و اطلاعات شخص زیان‌دیده مصداق ماده ۳۰۹ قانون مدنی است و خارج از باب غصب است. ماده مزبور مقرر می‌دارد: هرگاه شخصی مالک را از تصرف در مال خود مانع شود بدون آنکه خود او تسلط بر آن مال پیدا کند، غاصب محسوب نمی‌شود.... باید گفت که منظور از اخراج مال موضوع غصب از تصرف مالک و تسلط و استیلائی غاصب در این مورد، اخراج و استیلائی عرفی است که بسته به نوع مال متفاوت خواهد بود. در مورد حمله هکر به یک دستگاه در فضای مجازی، اطلاعات و نرم‌افزارهای شخص زیان‌دیده به‌طور دائم یا موقت از تصرف و استیلائی او خارج می‌شوند و بعضاً مورد تصرف یا هدایت هکر و منتشرکننده و ویروس قرار می‌گیرند و این همان مفهوم غصب و مصداق آن است. البته به‌نظر می‌رسد در موردی که شخص هکر تنها اقدام به تخریب اطلاعات و نرم‌افزارهای طرف زیان‌دیده می‌نماید بدون اینکه خود دسترسی و نفوذی بر آن داشته باشد، نمی‌توان از عنوان غصب علیه او استفاده کرد، اگرچه یقیناً مسئول می‌باشد.

در حقوق آمریکا نیز ابایی از تسری قواعد سنتی از جمله باب غصب نسبت به فضای مجازی وجود ندارد و رویه قضایی در آمریکا نسبت به تسری قواعد باب غصب نسبت

1. Tangible Property.

به اموال و دارایی های غیرمحمسوس و غیرمادی تردید نکرده است. از جمله در دعوی مجازی (Shmueli V. Corcoran Group) که به موجب آن خواننده دسترسی خواهان به بخشی از اسناد مجازی خویش را محدود کرده بود و مانع دسترسی خواهان به مدارک مزبور در فضای مجازی می شد. دادگاه علی رغم دفاع خواننده که قواعد غصب مخصوص اموال عینی و محسوس است، اظهار وی را نپذیرفت و مقرر کرد: دلیلی بر انحصار قواعد غصب در اموال مادی و محسوس نیست و مانعی در جهت تسری قواعد سنتی غصب به فضای مجازی وجود ندارد (Gregory & Tara, 2000, V2, P. 21).

۲- اتلاف در فضای مجازی

ماده ۳۲۸ قانون مدنی مقرر می دارد: هر کس مال غیر را تلف کند، ضامن است و باید مثل یا قیمت آن را بدهد. اعم از اینکه از روی عمد تلف کرده باشد یا بدون عمد و اعم از اینکه عین باشد یا منفعت. اگر آن را ناقص یا معیوب کند، ضامن نقص قیمت آن مال است. اولین موضوع مهم در بحث تطبیق اعمال زیانبار در فضای مجازی بر منبع اتلاف، در مورد مفهوم مال است. آیا اطلاعات و فضاهای اختصاصی تعبیه شده در فضای مجازی در زمره اموال هستند، که از بین برنده آنها را بتوان تحت شمول قاعده اتلاف مسئول دانست؟ مفهوم مال یک مفهوم عرفی حقوقی است یعنی در تعریف یک مال باید ملاک های حقوقی را در چارچوب عرف تحلیل و تبیین کرد. این وسعت بیان در تعریف مال آن را شامل اعیان، منافع، حقوق و حتی بخت ها و فرصت های احتمالی نیز کرده است. در حقوق اروپا نیز مسئله مال بودن اطلاعات مدت ها پیش حل شده است. در قضیه کوکس علیه ریلی (۱۹۸۶) خواننده به علت پاک نمودن برنامه های و اطلاعات از کارت الکترونیکی خواهان به رغم ادعایش مبنی بر عدم ورود خسارت به خود کارت اما بدلیل خسارت زدن به برنامه های آن که مال محسوب می شد، محکوم شد (زیبر، ۱۳۸۷، ص. ۳۲۰)؛ بنابراین در خصوص مالیت داشتن اطلاعات و محیط های اختصاصی موجود در فضای مجازی مانند تارنماها نیز نباید تردید به خود راه داد. علاوه بر اینکه در تعریف مال، ملاک شخصی مدنظر است نه الزاماً ملاک نوعی (کاتوزیان، ۱۳۸۳، ص. ۱۰). همچنین مال غالباً حاصل فعالیت

جسمی یا ذهنی انسان است؛ بنابراین داده‌ها و اطلاعات الکترونیکی و موجود در فضای مجازی نیز حاصل تلاش و فعالیت و ابتکار انسان است و مال تلقی می‌شود. و از این جهت تفاوتی میان داده‌های موجود در فضای مجازی و سایر اموال غیر ملموس مانند حق سرقتی و اسرار تجاری وجود ندارد.

از طرف دیگر از مجموع بیانات فقها مشخص می‌شود که ایشان ضرر را به معنای عرفی آن لحاظ نموده و آن را امری موضوعی می‌دانند؛ لذا اختلاف در معنای ضرر و به تبع آن تعریف مال، اختلاف در تشخیص موضوع و تعبیر عرف است و می‌تواند امری متغیر و تابع عرف مکان و زمان باشد. بنابراین برخلاف نظر برخی که اتلاف را مخصوص اعیان می‌دانند، اتلاف در غیر اعیان و حتی خسارات معنوی نیز قابل انطباق است و خسارات معنوی را نیز دربرمی‌گیرد.

البته ممکن است گفته شود که قانون‌گذار در این ماده تنها از جبران خسارت به عین و منفعت صحبت می‌کند و حکمی درباره دیگر خسارات مادی که از مصادیق تلف عین و منفعت محسوب نیستند مانند تحمیل هزینه، تفویت منفعت و عدم النفع، و دیگر انواع خسارات همچون خسارات معنوی یا خسارات جسمانی بیان نمی‌کند و اصطلاح تلف منفعت که در متن قانون به کار رفته به معنای خاص و محدودی است و نظر به از بین رفتن منفعت مال دارد؛ برای مثال در مورد خانه، منتفی شدن امکان استفاده و سکونت در آن و در مورد چاه، خشک شدن آن، در مورد حیوان، سلب قدرت کار و حرکت یا کسر حواس و قدرت آن. در مورد انسان نیز کسر قدرت و حواس... و نظری به منتفی شدن نفع و بهره‌ای که می‌توانست از یک فعالیت به دست آید و با ایجاد مانع این نفع حاصل نشده و دارایی شخص افزایش نیافته، ندارد. در این موارد اصطلاح تفویت منفعت یا عدم النفع به کار می‌رود. همچنین تلف عین یا منفعت شامل بسیاری از هزینه‌ها که در اثر فعل دیگری ایجاد می‌شود، نمی‌گردد از قبیل خسارات دادرسی شامل هزینه دادرسی، حق الوکاله و خسارت دیرکرد. همچنین است هزینه‌های اضافی که شخص برای قرار گرفتن در موقعیت مشابه آنچه که در صورت عدم تحقق فعل زیانبار در آن قرار می‌گرفت، صرف می‌نماید. مانند خرید مال به قیمت افزون بر قیمت توافق شده در بیع باطل، یا

هزینه درمان در پی ایراد خسارت بدنی و جانی.

در اتلاف از بین بردن، مستقیم یا به عبارت فقها بالمباشره است (بجنوردی، ۱۴۰۱ق، ج ۲، ص ۷۵). حال آنکه فضای مجازی اساساً فضایی است که ارتباط مستقیم و مباشرتی به معنی مرسوم قابل تحقق نیست. باین حال، باید دید آیا در فضای مجازی اصولاً تحقق مسئولیت مدنی از باب اتلاف امکان پذیر است یا خیر. یعنی مثلاً آیا ویروسی که یک هکر در شبکه اینترنت وارد کرده است و از این طریق به اطلاعات و نرم افزارهای دیگری صدمه وارد کرده است، این صدمه از باب اتلاف است؟ یعنی مباشرتاً محسوب می شود و هکر مباشر اتلاف می باشد؟ یا اینکه ویروس مزبور واسطه میان هکر و خسارت وارد آمده است که در این صورت باید عمل زیان زنده را تحت باب تسبیب یا اتلاف بالتسبیب مورد بررسی قرار داد؟

فایده این بحث زمانی ظهور پیدا خواهد کرد که توجه داشته باشیم، در حقوق امروز ما اتلاف و تسبیب دو منبع مستقل ایجاد مسئولیت مدنی هستند و از گذشته قواعد و شروط این دو منبع برای تحقق مسئولیت مدنی متفاوت هستند؛ برای مثال در باب تسبیب به عقیده برخی از حقوق دانان تقصیر، رکن تحقق مسئولیت است. و بدون آن اصولاً مسئولیت مدنی از باب تسبیب قابل تحقق نیست. در حالی که در باب اتلاف، برای تحقق مسئولیت نیازی به تقصیر عامل زیان نیست (کاتوزیان، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۲۱۶). صرف نظر از اتقان یا عدم اتقان سخن قائلین این نظر که در جای خود به بحث شده است، اجمالاً قابل ملاحظه است که دو باب اتلاف و تسبیب آثار متفاوتی را بر ضمان عامل در فضای مجازی بار خواهد نمود.

به نظر می رسد برخی از افعال زیانبار ارتكابی در فضای مجازی را می توان مصداق باب اتلاف دانست. از جمله نقض کپی رایت و علائم تجاری. ایراد از پیش گفته شده مبنی بر عدم امکان تحقق مباشرت به اتلاف در فضای مجازی نیز قابل پذیرش نیست. چون آنچه که در اتلاف و تسبیب تفاوت گذارده است، نقش مستقیم یا غیرمستقیم عامل زیان در این باره است، که به نظر می رسد مباشرت یا عدم مباشرت عامل زیان را باید با توجه به خصوصیات فضای فعل ارتكابی مورد مذاقه قرار داد و در خصوص فضای مجازی با

توجه به اقتضائات از پیش گفته شده، می‌توان گفت مباشرت جز از این طریق قابل تحقق نیست (ملکوتی، ۱۳۹۵، ص. ۱۲۰). برخی نیز قائل به امکان تحقق اتلاف در فضای مجازی هستند و خسارات ناشی از ویروس‌های رایانه‌ای را از مصادیق قاعده اتلاف به حساب می‌آورند (انصاری، ۱۳۸۲، ص. ۱۸).

۳- تسبیب در فضای مجازی

تسبیب از دیگر منابع و موجبات تحقق مسئولیت مدنی است. به استناد ماده ۳۳۱ قانون مدنی هر کس سبب تلف مالی بشود، باید مثل یا آن را بدهد ... در تسبیب تحقق مسئولیت مدنی به صورت غیرمستقیم و به واسطه سبب است. در علم منطق سبب به چیزی گفته می‌شود که از وجودش وجود و از عدمش، عدم مسبب لازم آید. البته در مورد نهاد تسبیب، مفهوم سبب به معنای منطقی آن مدنظر نیست. بلکه در این باب منظور از سبب چیزی است که از وجود آن وجود مسبب محتمل، اما از عدم آن، عدم مسبب قطعی می‌شود. این مفهوم اگرچه مشابه مفهوم شرط در علم منطق است، اما حقوق‌دانان معتقدند تمییز منطقی این دو مفهوم در این باب ممکن و مؤثر نیست و داوری عرف برای تشخیص مفهوم سببیت ملاک خواهد بود (کاتوزیان، ۱۳۸۲، ج ۲، ص. ۴۴۹). در فقه بر خلاف حقوق، تسبیب به عنوان نهاد مستقل ذکر نشده و ذیل باب اتلاف مطالعه می‌گردد. به همین جهت فقها اتلاف را به اتلاف بالمباشره یعنی همان اتلاف مدنظر قانون مدنی و اتلاف بالتسبیب یعنی همان تسبیب مدنظر قانون مدنی تقسیم کرده‌اند (بجنوردی، ۱۴۰۱، ج ۲، ص. ۷۰ به بعد).

در ابتدای امر به نظر می‌رسد فضای مجازی به جهت خصوصیات خاصی که دارد امکان تطبیق نهاد تسبیب در مورد فعالیت‌های زیانبار وقوع یافته در آن بیشتر است تا جایی که در خصوص مثلاً رفتار هکرها برخی احتمال داده‌اند که ویروس‌های منتشرشده در فضای مجازی توسط هکرها واسطه میان هکر و خسارت وارد آمده می‌باشند در نتیجه هکر مسبب به‌شمار می‌آید و خسارت از باب تسبیب خواهد بود (ملکوتی، ۱۳۹۵، ص. ۱۲۰).

اگرچه این نظر تا حدودی صحیح به نظر می‌رسد، اما نباید موجب تداعی این مطلب شود که به‌خاطر مجازی بودن فضای سایبر و عدم امکان ورود مستقیم و بلاواسطه

اشخاص در آن، امکان تحقق مسئولیت مدنی از باب سایر منابع مانند اتلاف و ... منتفی است و هر خسارتی را باید از باب تسبیب مورد مذاقه قرار داد. چنین نتیجه‌ای با مفهوم فضای مجازی سازگاری ندارد و موجب بلااجرا ماندن بسیاری از قواعد مهم مسئولیت مدنی در این حوزه خواهد شد (ملکوتی، ۱۳۹۵، ص. ۹۰).

به نظر می‌رسد نفس فضای مجازی به منزله سبب نیست بلکه به منزله شرط به معنای حقوقی آن است. در بیان تفاوت شرط به معنای حقوقی و سبب گفته شده است اگر از وجود چیزی، وجود چیز دیگری و از عدمش، عدم دیگری لازم آید مثلاً از وجود الف وجود ب و از عدم الف عدم ب حاصل شود، به آن علت تامه می‌گویند و اگر از وجود چیزی، وجود چیز دیگری لازم نیاید ولی از عدمش، عدم دیگری لازم آید، آن را سبب گویند. پس علت تامه و سبب با وجود مشابهت، دو چیز متفاوت است.

اما شرط، چیزی است که در واقع زمینه‌ساز وقوع حادثه می‌باشد و با این اعتبار، تأثیر مؤثر منوط به وجود اوست، ولی در علیت دخالتی ندارد. سبب، چیزی است که اثر اندکی در ایجاد حادثه دارد یا به گونه‌ای در ایجاد حادثه اثر دارد و از این جهت مانند علت است ولی از جهت دیگری شبیه شرط است؛ بنابراین به موجب این کلام که نظریه مرحوم علامه در کتاب قواعد است، وجه مشترک سبب و شرط در آن است که با فقدان آن دو، حادثه نیز منتفی است. ولی تمایز آن دو در این است که شرط زمینه‌ساز حادثه است در حالی که سبب از دیدگاه عرف نقش مؤثرتری ایفا نموده و در اثربخشی علت نیز مؤثر است (بهرامی، ۱۳۸۱، ص. ۳۰).

به نظر می‌رسد همان ملاکی که در جهان واقعی در مورد تشخیص رابطه سببیت وجود دارد، در فضای مجازی نیز مورد استفاده است. بلکه در این مورد تنها باید به اقتضائات خاص محیط مجازی نیز توجه داشت. ملاک سببیت در جهان واقعی رابطه انتساب عرفی است، اما در فضای مجازی سببیت فنی هم ملاک خواهد بود.

منظور از سببیت فنی این است که از نظر اصول فنی و فناوری با ملاحظه اقتضائات فضای مجازی بتوان این خسارت را به رفتار مزبور انتساب داد (ملکوتی، ۱۳۹۵، ص. ۱۸۰). شکی نیست که حداقل کارکرد فضای مجازی کارکرد یک رسانه است و از اصول مهم در

این باره اصل آزادی بیان و چرخش سریع و آزادانه اطلاعات است؛ بنابراین در احراز سببیت به طور کلی و نه فقط در باب قاعده تسبیب، باید این مطالب را مورد لحاظ قرار داد. در حالی که در جهان واقعی علی القاعده چنین ملاحظاتی لحاظ نمی‌گردد؛ به طور مثال اگر شخصی پیوندی از یک مطلب توهین‌آمیز نسبت به غیر در تارنمای خود ایجاد نماید چنانچه کاربر یا کاربرانی با مراجعه مکرر به این پیوند، موجب افزایش آمار بازدید و در نتیجه برجسته شدن آن پیوند و شهرت آن شوند، علی القاعده نمی‌توان خسارت وارده به ثالث را منتسب به رفتار کاربران کرد و مباشر ایجاد لینک را با این توجیه که سبب اقوی از مباشر است، از مسئولیت معاف دانست. چون اصل آزادی بیان و چرخش سریع اطلاعات، توجیه‌گر رفتار کاربران است و همه خسارات متوجه شخص ایجادکننده پیوند یا همان مباشر می‌باشد.

۴- استیفا در فضای مجازی

چهارمین منبع از منابع تحقق مسئولیت مدنی در ماده ۳۰۷ قانون مدنی استیفا است. استیفا یعنی بهره بردن از مال، کار یا خدمت دیگری بدون جهت قراردادی یا قانونی. و به دو نوع استیفا مسبوق به اذن و استیفای بدون اذن تقسیم‌بندی می‌شود (ملکوتی، ۱۳۹۷، ص. ۱۶۰). مهم‌ترین مصداق استیفا در قانون مدنی مواد ۳۳۶ و ۳۳۷ است. این نهاد در فضای مجازی هم از موجبات تولید مسئولیت مدنی به‌شمار می‌آید.

از جمله مهم‌ترین مصادیق آن در نقض کپی‌رایت خواهد بود. زمانی که شخصی بدون توجه به حقوق مالکیت فکری صاحب اثر از آن استفاده می‌کند در این صورت استیفای بدون اذن محقق شده است و ناقض از این باب مسئول خسارت مالک اثر خواهد بود. همچنین در موردی که استفاده از مال یا خدمت دیگری در فضای مجازی با اذن باشد، قسم دوم استیفا یعنی استیفای مشروع یا مسبوق به اذن قابل تحقق است. موردی را در نظر بگیرید که شخصی با ایجاد سایت خدمات حقوقی به کاربران خدمات مشاوره حقوقی ارائه می‌دهد. بدیهی است که در صورت عدم وجود تلویحی یا تصریحی قصد تبرع، ایجادکننده تارنما می‌تواند از این باب از کاربران استفاده‌کننده اجرت‌المثل بخواهد

البته باید به این نکته توجه کرد که در مورد ارائه این نوع خدمات در فضای مجازی با عنایت به غلبه جنبه تبلیغی موضوعات در فضای مزبور و اقتضائات این فضا برخلاف فضای واقعی اصل بر تبرع خواهد بود مگر اینکه خلاف آن ثابت شود.

۵- منابع مسئولیت مطابق قانون مسئولیت مدنی

در کنار قانون مدنی و ماده ۳۰۷ آن قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ وجود دارد، اگرچه این تلقی ممکن است وجود داشته باشد که قانون مزبور مکمل قانون مسئولیت مدنی است و از جهاتی کامل‌تر به نظر می‌رسد مانند اینکه حکم به تجویز دریافت خسارت معنوی به صراحت در آن مورد توجه قرار گرفته است، اما از برخی جهات این قانون محدودتر از قانون مدنی است. از جمله اینکه مسئولیت در این قانون تنها مبتنی بر تقصیر است و مسئولیت‌های عینی و محض در آن جایی ندارد. برخی از حقوق‌دانان کوشیده‌اند که مبنای تقصیر مصرح در قانون مسئولیت مدنی را به عنوان اصل و قاعده تلقی کنند و مسئولیت‌های غیر از آن مانند نظریه‌های خطر را استثناء بر اصل برشمرده‌اند (کاتوزیان، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۲۲۰ به بعد).

در هر حال صرف‌نظر از صحت یا سقم نظر مزبور، در اینکه قانون مسئولیت مدنی با این دامنه موسع از منابع موجد مسئولیت مدنی در حقوق امروز است، تردیدی وجود ندارد؛ بنابراین می‌توان گفت هر عمل موجب زیانی که در قالب یکی از منابع مصرح در ماده ۳۰۷ قانون مدنی نمی‌گنجد را می‌توان از باب قانون مسئولیت مدنی و ماده یک آن، الزام به جبران خسارت داد. به عبارت دیگر ماده مزبور ضامن را از حالت قالبی بودن خارج کرده و به جای موضوعیت دادن به فعل زیانبار موضوعیت را به نامشروع بودن زیان داده است و از این حیث قابل تمجید است چون دادرس برای الزام به جبران زیان ناچار به قراردادن رفتار منجر به زیان در قالب یا قاعده‌ی خاصی مانند اتلاف و غصب و ... نخواهد بود.

این سخن در فقه ما نیز بی سابقه نیست همان‌گونه که گفته شد در فقه ضامن قهری مبتنی بر قواعد فقهی است. بدین معنی که قواعد کلی مانند اتلاف، غصب و تسبیب و ... وجود دارند که مختص باب ضامن هستند و از منابع تولید مسئولیت شناخته می‌شوند

علاوه بر آن در کنار این قواعد مختص باب ضمان، یک قاعده کلی تحت عنوان لاضرر نیز وجود دارد که نه تنها در باب ضمان بلکه در تمامی ابواب فقه اعم از عبادات و معاملات کاربرد دارد. به نظر ما قانون مسئولیت مدنی از این حیث چیز جدیدی به حقوق ایران نیفزوده است و این قانون به نوعی بازگشت به قاعده لاضرر است. به عبارت دیگر ماده ۱ قانون مزبور در تلاش است که منابع مسئولیت را از شکل احصایی ماده ۳۰۷ قانون مدنی خارج و در مواردی که زیان ناعادلانه اما بیرون از قالب ماده ۳۰۷ رخ داده است را حکم به جبران بدهد، امری که از گذشته در رویه قضایی ما ملموس است و قضات در هر موردی که زبانی را غیرقابل تحمل می‌دانند اما در قالب ماده ۳۰۷ نمی‌توانند آن را توجیه کنند به استناد ماده یک قانون مسئولیت مدنی و تصریح به قاعده لاضرر در الزام به جبران آن تردید به خود راه نمی‌دهند.

این شیوه عمل در فضای مجازی کارایی بیشتری خواهد داشت چون با توجه به غیرملموس و غیرواقعی بودن فضا، اگرچه منابع مسئولیت احصاشده قانون مدنی به شرح فوق در آن قابلیت تحقق دارند، اما ممکن است عمل زیانبار ارتكابی به هر دلیلی در این قالب ننگد؛ بنابراین بهترین مقرر برای الزام به جبران خسارت در این گونه موارد، قانون مسئولیت مدنی خواهد بود. چون دامنه قانون مزبور و به طور خاص ماده یک آن، به قدری موسع است که قابلیت انطباق آن بر فضای مجازی به وسعت فضای واقعی است. خصوصاً اینکه در مصادیق افعال زیانبار در فضای مجازی که پیشتر از آنها سخن گفته شد، ممکن است موردی یافت شود که قابلیت تطبیق با عناوین چهارگانه مذکور در ماده ۳۰۷ قانون مدنی را نداشته باشد، اما با وجود ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی در صورت احراز سایر شرایط، راه برای الزام عامل به جبران آن باز خواهد بود.

نتیجه‌گیری

تردیدی در تحقق منابع چهارگانه مسئولیت مدنی در فضای مجازی نیست اگرچه ممکن است به جهت اقتضائات و خصوصیات خاصی که بر نحوه شکل‌گیری یا جریان فضای مجازی حکومت دارد، چگونگی تحقق منابع مزبور در این فضا مقداری متفاوت و در

راستای هماهنگی با عناصر فضای مزبور باشد. به همین جهت مثلاً سببیت عرفی در فضای مجازی معنی سنتی خود را از دست داده و سببیت فنی ملاک احراز نهاد تسبیب خواهد بود. همین ملاک در تحقق نهادهای غصب، اتلاف و استیفاء نیز باید مدنظر قرار گیرد؛ بنابراین با چنین انعطافی بسیاری از قواعد و نهادهای فقهی و قانونی موجود و مُجرا در فضای واقعی در جهان سایبر نیز قابل اجرا خواهند بود و از متروک شدن آن در این فضا جلوگیری خواهد شد. مجری این انعطاف و تعیین‌کننده حدود و ثغور آن نیز رویه قضایی خواهد بود.

فهرست منابع

- انصاری، باقر (۱۳۸۲)، مقدمه‌ای بر مسئولیت مدنی ناشی از ارتباطات اینترنتی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۶۲.
- بهرامی، محمدکاظم (۱۳۸۱)، قاعده تسبیب، ماهنامه دادرسی، شماره ۳۵.
- زیبر، اولریش (۱۳۸۷)، مسئولیت برای خدمات بانک‌های داده آنلاین، گزارش ملی آلمان، انگلستان، هلند و چشم‌اندازهای اتحادیه اروپا؛ ترجمه سیامک قاجار، تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۲)، الزام‌های خارج از قرارداد، دو جلد در یک مجلد، تهران: دانشگاه تهران.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۳)، اموال و مالکیت، تهران: میزان.
- ملکوئی، رسول (۱۳۹۵)، مسئولیت مدنی در فضای سایبر، تهران: مجد.
- ملکوئی، رسول (۱۳۹۷)، ضمان قهری، تهران: مجد.
- موسوی بجنوردی، سیدمحمد بن حسن (۱۴۰۱ق)، قواعد فقهیه، بی‌جا: مؤسسه عروج.
- Gregory C. Mosier and Tara I. Fitzgerald (2000), Cyber Torts: Common Law and Statutory Restraints in the United States, *Journal of International Commercial Law and Technology*, Vol 2, No 1.